

بسم الله الرحمن الرحيم

جنگ وارد چهارمین سال خود شد؛ سودان به کجا می‌رود؟!

(ترجمه)

سازمان ملل و نهادهای وابسته به آن، وضعیت سودان را بزرگ‌ترین فاجعه انسانی در جهان و شدیدترین بحران گرسنگی و بی‌جاشدگی توصیف کرده‌اند. معاون سخنگوی وزارت خارجه آمریکا نیز تصریح کرده است: «بیش از ۱۵۰ هزار تن کشته شده‌اند و بیش از ۱۴ میلیون نفر آواره گردیده‌اند و این فاجعه هم‌چنان ادامه دارد.»

وزیر کار و امور اجتماعی اعلام کرده است که این وزارت از آغاز جنگ تا ماه اکتبر ۲۰۲۵، ۱۸۰۰ مورد تجاوز جنسی را ثبت کرده است؛ آماری که شامل رویدادهای الفاشر و کردفان نمی‌شود. این جنایات غالباً در برابر اعضای خانواده رخ می‌دهد. افزون بر آن، موارد برده‌سازی، قاچاق زنان و کودکان و فروش آنان در دولت‌های همسایه نیز گزارش شده است.

به نقل از «سودان تریبیون» و بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار، ۳۷٪ از مراکز صعی در اثر بمباران و حملات از فعالیت بازمانده‌اند. همچنین طبق گزارش سازمان جهانی صحت، ۱۸۵۸ تن از کادرهای طبی کشته و ۴۹۰ تن دیگر زخمی شده‌اند.

در همین حال، نرخ بیکاری از ۳۲٪ پیش از جنگ به ۸۰٪ رسیده و حدود ۵ میلیون نفر منبع اصلی درآمد خود را از دست داده‌اند. ارزش پول ملی نیز از ۵۷۰ جنیه (واحد پول) در برابر هر دالر در اپریل ۲۰۲۳، به ۴۲۰۰ جنیه در حال حاضر سقوط کرده است. افزون بر این دالر گمرکی که در آغاز جنگ میان ۱۸ تا ۲۰ جنیه بود، به ۲۷۶۹ جنیه و سپس به ۳۲۲۲ جنیه افزایش یافته که این امر به‌گونه مستقیم باعث افزایش شدید قیمت کالاها و خدمات گردیده است.

در این میان، سخن «جان لیلی»، نویسنده سال ۱۵۷۹ م، به‌خوبی وضعیت امروز جنگ سودان را بازتاب می‌دهد؛ آنجا که گفته بود: «در دوستی و جنگ، همه چیز روا دانسته می‌شود.» این عبارت به نمادی برای توصیف جنگ‌های خونین و بی‌رحمانه بدل شده است؛ جنگ‌هایی که سرانجام آن‌ها، فاجعه‌هایی مانند وضعیت کنونی سودان می‌باشد.

جنگ‌های داخلی که بیش از ۳۰ کشور را دربرگرفته، یکی از جلوه‌های کشمکش‌های استعمارگرانه بین‌المللی به‌شمار می‌رود. تنها در قاره افریقا، ۲۶ جنگ داخلی جریان دارد. این جنگ‌ها به تجزیه کشورهایمانند کنگو، اتیوپی، اریتریا و سودان انجامیده و زمینه را برای سلطه استعمار بر دولت‌های ضعیف و فرسوده فراهم ساخته است. قرض‌های قاره افریقا اکنون به بیش از ۴۰۰ میلیارد دالر رسیده که معادل بیش از ۷۰٪ تولید ناخالص ملی دولت‌های آن است. همچنین این جنگ‌ها بیش از ۳۰ میلیون مین زمینی برجا گذاشته‌اند که در مجموع، یک چهارم مین‌های جهان را تشکیل می‌دهند.

جنگ در سال چهارم به کجا رسیده است؟ در بُعد نظامی، از مجموع ۱۸ ولایت سودان، ۱۱ ولایت همچنان در آتش جنگ قرار دارند و حتی تحت کنترل نیروهای «پشتیبانی سریع» هستند. هفت ولایت باقی‌مانده نیز به‌طور مداوم در معرض تهدید قرار دارند؛ زیرا طیاره‌های بی‌سرنشین (پهپاد) با هدف قرار دادن تأسیسات حیاتی و مواضع ارتش، این مناطق را مورد حمله قرار می‌دهند، و باشندگان ملکی نیز از این حملات در امان نمانده‌اند.

در چنین شرایطی، گروه‌ها و جریان‌های مسلح به‌گونه‌ای چشم‌گیر افزایش یافته‌اند و اعلان تشکیل گروه‌های جدید به‌ویژه در شرق و شمال سودان ادامه دارد. در حال حاضر بیش از ۱۱۰ گروه مسلح فعال‌اند که ۹۰ گروه آن‌ها در صف یکی از طرف‌های درگیر قرار دارند. گسترش شدید جنگ به مناطق کردفان (شمال و جنوب) و جنوب نیل آبی، نشان می‌دهد که هیچ نشانه‌ای از پایان جنگ یا حل‌وفصل نظامی آن در افق دیده نمی‌شود.

از سوی دیگر، تفاوت‌های گسترده در هویت ملیشه‌ها، اعم از گرایش‌های مبدئی، اسلامی، منطقه‌ای و قبیله‌ای، خود عاملی برای تداوم بی‌ثباتی است. در این میان، ۲۵ گروه اسلامی نیز حضور دارند. افزون بر آن، شمال سودان برای نخستین بار شاهد ظهور ملیشه‌های مسلح شده است؛ چنان‌که محمد سید احمد، معروف به «الجاکومی»، در ماه جولای ۲۰۲۵ از آموزش ۵۰ هزار جنگجو در چارچوب «حرکت کیان شمال» خبر داد. همچنان گروه «اولاد قمر» در منطقه شمالیه و «قوات شعب الوسط» در ولایت الجزیره نیز از جمله این نیروها به‌شمار می‌روند.

بدین ترتیب، گسترش سلاح در دست ملیشه‌هایی با گرایش‌های منطقه‌ای، قبیله‌ای، مصلحتی و مبدئی، صحنه را پیچیده‌تر ساخته و فرصت‌های دستیابی به صلح را به‌گونه جدی تضعیف کرده است.

در بُعد سیاسی، با توجه به واقعیت نظامی حاکم بر سودان و گسترش ملیشه‌ها، چند سناریو برای آینده این کشور قابل تصور است که مهم‌ترین آن‌ها «سناریوی لیبیا» می‌باشد. در همین چارچوب، ملیشه «پشتیبانی سریع» در فبروری ۲۰۲۵ از تشکیل حکومتی در دارفور خبر داد و «حمیدتی» را به‌عنوان رئیس آن معرفی کرد. در مقابل، حکومت برهان در مناطق تحت کنترل خود، موسوم به «حکومت پورتسودان»، به فعالیت ادامه داد و بعداً به خرطوم منتقل شد. این وضعیت شباهت زیادی با لیبیا دارد؛ کشوری که جهان به تدریج وجود دو حکومت در یک سرزمین را پذیرفت و حتی اخیراً بحث اختصاص بودجه واحد برای هر دو حکومت نیز مطرح شده است.

اما سناریوی خطرناک‌تر، «سومالی‌سازی» سودان است؛ یعنی تجزیه آن به چندین دولت کوچک در دارفور، مرکز، شمال، شرق، جنوب کردفان و جنوب نیل آبی؛ همان‌گونه که سومالیا به سه دولت تقسیم گردید.

در این میان، نقش کشمکش‌های استعمارگرانه در جنگ سودان و پیامدهای آن آشکار است؛ به‌گونه‌ای که نیروهای نظامی، اعم از ارتش و نیروهای پشتیبانی سریع به‌عنوان نمایندگان منافع امریکا و نیروهای ملکی به‌عنوان نمایندگان منافع بریتانیا معرفی می‌شوند.

گزارش سازمان‌های غیردولتی نیز نشان می‌دهد که این جنگ به بی‌جاشدگی گسترده، آوارگی و گرسنگی انجامیده است؛ به‌گونه‌ای که میلیون‌ها خانواده تنها یک وعده غذا در روز و گاه حتی برای چند روز مصرف می‌کنند. بر اساس «طرح نیازهای بشردوستانه و پاسخ برای سال ۲۰۲۶»، حدود ۶۱٫۷٪ از جمعیت سودان، یعنی نزدیک به ۲۹ میلیون نفر، با ناامنی غذایی مواجه‌اند. (رویترز 2026/4/13).

همچنین گزارش سازمان ملل حاکی از آن است که سودان با بزرگ‌ترین بحران بی‌جاشدگی روبه‌رو است، آن‌هم در حالی که نقض‌های گسترده و کمبود منابع مالی ادامه دارد. کمپساریای عالی پناهندگان نیز شمار آوارگان را ۱۴ میلیون نفر اعلام کرده است.

این وضعیت زمینه را برای نفوذ بیشتر دولت‌های استعمارگر فراهم ساخته است. از جمله حمایت از «پنجره پاسخ سریع» (RRW) با هدف تقویت نقش زنان در روندهای صلح و نیز دیدارهای مقامات اقتصادی سودان با مسئولان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول از جمله نشست‌های بهاری این نهادها و دیدار با نمایندگان بریتانیا، همگی در چارچوب تلاش برای نفوذ در این سرزمین قابل تحلیل است.

در نتیجه، رهبری نظامی و ملکی، سودان را به سود استعمار به‌گرو گذاشته‌اند. چنان‌که نخست‌وزیر، کامل ادیس، در تاریخ ۱۸ اپریل ۲۰۲۶ دیدار با خبرنگاران اعلام کرد که حکومت در نظر دارد بسته‌ای از پروژه‌های استراتژیک را راه‌اندازی کند که در صدر آن «پروژه مارشال سودان» برای بازسازی ویرانی‌های ناشی از جنگ قرار دارد؛ طرحی که به شیوه برنامه وزیر خارجه امریکا، جورج مارشال، برای بازسازی اروپا پس از جنگ جهانی دوم که بعدها به «طرح مارشال» در سال ۱۹۴۸ معروف شد، ارائه می‌شود.

اظهارات کامل ادیس در امتداد موضع برهان قرار دارد که کشور و ثروت‌های آن را به امریکا عرضه می‌کند. چنان‌که وی در مقاله‌ای که در تاریخ ۲۶ نوامبر ۲۰۲۵ برای روزنامه «وال استریت ژورنال» نگاشته، گفته است: «سودان می‌خواهد شریک نیرومندی برای ایالات متحده باشد و در تأمین ثبات منطقه‌ای و بازسازی شهرها و مناطق ویران‌شده نقش ایفا کند و شرکت‌های امریکایی در بازسازی، سرمایه‌گذاری و توسعه درازمدت نقش مهمی خواهند داشت.»

برآیند همه این موارد آن است که مردم سودان در معرض تنگنا، رنج، مشقت و حتی خطر تجزیه و ازهم‌پاشی قرار دارند، مگر آن‌که افراد مخلص و آگاه برای جلوگیری از سقوط سودان به این پرتگاه خطرناک اقدام نمایند.

تحقق این امر مستلزم مقابله با سیاستمداران و نظامیان وابسته به غرب کافر و پروژه‌های آن، از طریق فعالیت‌های سیاسی و فکری که نقشه‌ها و وابستگی‌های آنان را افشا کند، مقابله شود. علاوه‌براین لازم است که افراد مخلص در ارتش، امنیت و پولیس، زمام امور را از دست مزدوران و خائنان گرفته و از کسانی که برای برپایی خلافت تلاش می‌کنند، حمایت نمایند.

زیرا تنها خلافت است که می‌تواند دست استعمار را کوتاه ساخته، آن را از سرزمین‌های مسلمانان بیرون کند، شریعت الله سبحانه و تعالی را تطبیق نماید، حرمت و کرامت مسلمانان را حفظ کند و ثروت‌های آنان را در اختیار خودشان قرار دهد، نه در دست دشمنان‌شان. پس برای چنین هدفی، باید عاملین دعوت به‌گونه جدی تلاش نمایند.

برگرفته از جریده الرأیه

مترجم: عبدالرحمن مستنصر